

دکتر احمد تمیم‌داری استاد دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۲۵ در تهران به دنیا آمد. وی پس از اخذ دیپلم ریاضی از دبیرستان ادیب در سال ۱۳۴۴، تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی در مدرسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی پی گرفت و در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد و در سال ۱۳۶۶ دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. وی علاوه بر تحصیلات دانشگاهی، حد فاصل سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۹ مقدمات عربی، منطق فارسی، منطق عربی مظفر، شرح لمعه، تجریدالعقاید با شرح علامه حلی و علامه شعرانی، مشاعر ملاصدرا و... را آموخت. از وی تاکنون آثار مختلفی چون: شرح قصیده عربی کلامی و دینی، صاحب این عباد؛ عرفا و ادب در عصر صفوی، داستان‌های ایرانی، تاریخ ادب فارسی و... به چاپ رسیده است. وی در حال حاضر عضو هیأت علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبایی است که در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا تدریس می‌کند.

مروری بر فرم‌های مشابه فولکلور در جهان

دکتر احمد تمیم‌داری

واژه فولکلور (Folklore) از دو کلمه فولک (Folk) به معنای مردم، گروه و طبقه و لور (Lore) به معنای دانش، آگاهی و عقیده تشکیل شده است. بسیاری از دانش‌هایی که در سطوح عالی در میان دانشمندان و عالمان و ادیبان مطرح هستند، در بین عوام نیز شیوع پیدا می‌کنند و نسل‌ها در اذهان به صورت فرهنگ عامه باقی می‌مانند.

ادبیات شفاهی ملت‌ها به عنوان بخشی از دانش فولکلورشناسی جوامع انسانی از زمان‌های بسیار دور همراه با کار و فعالیت انسان‌های نخستین شروع شده و پیوسته با رشد و پیشرفت آنها ارزشی و اعتبار کسب کرده است. فولکلور پیش از اختراع خط و ادبیات مکتوب روند تکاملی خود را می‌پیموده و تجارب هنری و فنی بسیاری در خود اندوخته است. از این رو رفته رفته در مراحل بعدی رشد جوامع و پیدایش خط، با ادبیات مکتوب همگام گشته است و هردو به سوی ترقی و تعالی پیش رفته‌اند.

از آن‌جا که فولکلور از اندیشه مردمانی که باهم در تلاش و کار و فعالیت هستند به وجود می‌آید،

فولکلور پیش از اختراع خط و ادبیات مکتوب روند تکاملی خود را می‌پیموده و تجارب هنری و فنی بسیاری در خود اندوخته است. از این رو رفته رفته در مراحل بعدی رشد جوامع و پیدایش خط، با ادبیات مکتوب همگام گشته است و هردو به سوی ترقی و تعالی پیش رفته‌اند.

حالت جمعی دارد و برای سبک کردن فشارهای زندگی و تسلی خاطر و نیز به بمنظور شکل دادن به قواعد همزیستی و اصول اجتماعی حاکم میان انسان‌ها پدید آمده که همواره نیز مورد پسند عامه مردم بوده است، به حدی که جوامع نسبتاً ساده و قدیمی، (مانند اعراب پیش از اسلام که امثال و حکم به جای فلسفه، و روایت‌ها در حکم تاریخ ایشان بود.) فرهنگی جز فولکلور را نمی‌شناختند.

همان‌طور که ذکر شد، فولکلور خصلت جمعی دارد و محصول اندیشه فردی واحد نیست و ناشی از مسائل و حوادث مشترک مردم است و از طریق زبان عوام که گنجینه جامعه است، سینه به سینه از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد، این زبان هیچ‌گاه نمی‌میرد، بلکه تنها در جریان انتقال، ضمن پخته و پرداخته شدن، براساس مقتضیات نسل‌ها، تغییر شکل می‌پذیرد و تکامل می‌یابد.

فولکلورشناسی به عنوان یک علم، در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم پدیدار شد و تا قبل از آن به جمع‌آوری آثاری از سوی مورخان و محققان علاقه‌مندی محدود بود که به گردآوری برخی از عناصر این مجموعه بسنده می‌شد. در اوایل قرن نوزدهم که فولکلورشناسی به عنوان دانش مستقلی از زبان‌شناسی و ادبیات مطرح شد، چگونگی پیدایی آفریده‌های شفاهی مردم مورد سؤال قرار گرفت و نظریه‌های مختلفی ابراز شد.

فولکلورشناسی با ادبیات، تاریخ، مردم‌شناسی، زیباشناسی، فلسفه، تاریخ هنر تصویری و موسیقی در ارتباط است و برای شناخت و تحلیل آن، آگاهی و استفاده از عناصر مذکور ضروری می‌نماید.

همچنین، فولکلور از دیدگاه‌های مختلف علوم انسانی و علوم اجتماعی چون زبان‌شناسی، روان‌شناسی و روانپزشکی و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

فولکلور به مثابه هنر عوام و محصول تجربیات ارزشمند تاریخی هزاران ساله‌ای است که از پیشینیان ما تا به امروز باقی مانده و بیانگر روشن و دقیقی از صمیمانه‌ترین آمال و آرزوها و کیفیت زندگی اجتماعی و تاریخی هر دوره است. شاید بتوان گفت اطلاعات و معلومات به دست آمده از مطالعه مواد فولکلوریک درباره زندگی مادی و معنوی مردم، و غنای شگفت‌آور آن از هیچ کتاب تاریخی قابل کسب نیست.

براساس تحقیقی گسترده، فولکلور غالباً جلوه‌هایی از الگوهای رایج ذهنیات، افکار

و رفتار انسان را در زمان‌های
مختلف در بر می‌گیرد و در واقع
آنها را می‌توان شکل دائمی
نتایج و تخیلات بشر نسبت به جهان
خارجی دانست.
می‌توان یکی از دلایل پیدایش

فولکلور به مثابه هنر عوام و محصول تجربیات ارزشمند
تاریخی هزاران ساله‌ای است که از پیشینیان ما تا به
امروز باقی مانده و بیانگر روشن و دقیقی از
صمیمانه‌ترین آمال و آرزوها و کیفیت زندگی اجتماعی
و تاریخی هر دوره است.

فولکلور را کنجکاوای انسان درباره پیدایش جهان هستی دانست و زمانی که انسان نمی‌توانست از
لحاظ علمی پاسخی برای آن داشته باشد، به اسطوره پناه می‌برد که بخش عمده‌ای از ادبیات شفاهی
ملت‌ها را تشکیل می‌دهد. شایان ذکر است که گاه علوم نیز می‌توانند اسطوره شوند، مثل علوم
دوره بطلمیوس که با علوم دوره نیوتن و انیشتین بسیار متفاوت است.

غالباً در زبان و ادبیات، آثاری از فولکلور و به اصطلاح فسیل آنها به جا مانده و خود
اسطوره‌ها از میان رفته‌اند و فولکلوریست باید با بررسی تغییرات آنها طی قرون، به دنبال منشاء
اعتقاد مردم به وقایع اصلی و تاریخی‌شان باشد.

یادگیری ادبیات شفاهی از آن نظر که در برگیرنده زندگی اجتماعی مردم، طرز معیشت و آداب
و رسوم، ذوق زیبایی‌شناسی، اعمال و رفتار نیکو و ترقی خواهانه انسانی و به عبارتی تاریخ تکامل
جوامع بشری است، دارای اهمیت فراوانی است و بدون بررسی و آموختن مسائل فولکلور پیشرفت
جامعه به تأخیر می‌افتد. فولکلور تنها مخصوص جوامع بدوی گذشته نیست و در همه جوامع، حتی
جوامع پیشرفته و متمدن امروزی نیز وجود دارد، چون جامعه مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و اعمال
است.

ابتدا به اسطوره‌ها که از عمومی‌ترین اشکال ادبیات عامه یا هنر شفاهی مردم هستند،
می‌پردازیم. اسطوره (Myth) یک واژه قدیمی هند و اروپایی است که در کتاب اوستا و آثار زبان

در خصوص اسطوره‌ها توجه به این نکته ضروری است که چنانچه در جامعه‌ای مردم بیش از حد
به اسطوره‌ها پایبند شوند، در حالت تخدیر باقی خواهند ماند و دیگر به دنبال راه چاره‌ای نخواهند
بود. چون اسطوره‌ها، با شخصیت‌های فارق‌العاده‌ای که دارند موجب سکون ذهنی مردم خواهند
شد.

پهلوی به صورت مستقل و یا مرکب با واژه‌های دیگر به کار رفته است.

در زبان پهلوی و عربی به معنی سخن دروغ و ناراست به کار رفته و شیوه‌ای تخیلی، جهت
توجیه و تفسیر رابطه انسان و جهان است. اسطوره بخشی از فرهنگ باستانی است که در دوره‌ای

خاص ساخته و پرداخته شده است و شامل مسائلی در مورد خدایان، رویدادهای بزرگ طبیعی، تاریخی و اجتماعی، روایت‌های قهرمانی، زنده پنداشتن اشیاء و غیره است.

همچنین اسطوره‌ها در تفسیر پدیده‌های طبیعی مانند رعد و برق، طوفان، سیل، آتشفشان و رویدادهای بزرگ اجتماعی مانند جنگ و برافتادن و بر نشستن دودمان‌ها و پادشاهان جدید نقش داشته‌اند. ضمن آنکه شناخت انسان‌های گذشته از جهان، شناختی اسطوره‌ای است و به قولی ضرورت اولیه دانش انسان به‌شمار می‌آید.

شاید بتوان گفت منشاء بسیاری از رفتارهای ما به اسطوره‌ها باز می‌گردد و همچنین اسطوره‌ها برخی از آداب و رسوم فولکلوریک جامعه را بهبود می‌بخشند. مثلاً با خواندن شاهنامه فردوسی، که با استفاده از متون قدیمی (اوستا) و زبان دهقانان و مویدان سروده شده، در مکان‌های عمومی (نقالی شاهنامه در قهوه‌خانه‌های امروز نیز وجود دارد) دوباره اسطوره‌ها البته به شکل دقیق‌تری (برگرفته از آیین اوستایی) در میان مردم گسترش و نفوذ پیدا می‌کنند و باعث تشدید مسائل فولکلوریک گذشته می‌شوند. مثل رستم که نمادی از پهلوانان ایران گذشته است و آیین و سلوک پهلوانی او رفتار مردم را تحت تأثیر خود قرار داده است.

در خصوص اسطوره‌ها توجه به این نکته ضروری است که چنانچه در جامعه‌ای مردم بیش از حد به اسطوره‌ها پایبند شوند، در حالت تخدیر باقی خواهند ماند و دیگر به دنبال راه چاره‌ای نخواهند بود. چون اسطوره‌ها، با شخصیت‌های خارق‌العاده‌ای که دارند، موجب سکون ذهنی مردم خواهند شد.

در اینجا می‌خواهم یکی از نظریه‌های جالب توجه و به اصطلاح آوانگارد نسبت به دیدگاه‌ها و تحقیقات متفاوت ارائه شده از جانب محققان و نظریه‌پردازان مختلف در این زمینه را که متعلق به نویسنده و محقق آلمانی اریک فون دانیکن است، ارائه کنم. نظریه‌ای که در ابتدا با بی‌اعتنایی محافل آکادمیک روبرو شد و عنوان «نامعقول و غیرعقلانی» به آن دادند، اما در این اواخر پس از گذشت سال‌ها از انتشار آن به «نظریه‌ای در خور اعتنا» تغییر نام یافته است.

نظریه او با استناد به مدارک و شواهد غیرقابل انکاری از تورات و با توجه به مسائل و موارد مشترک در افسانه‌های اقوام مختلفی شکل می‌گیرد که در مناطق بسیار دور از هم در کره زمین وجود داشته‌اند و به بررسی آثار و بقایای عجیب و غیر قابل توجیهی می‌پردازد که از زمان‌های نامعلوم در سرزمین‌های مختلف باقی مانده‌اند او با تکیه بر استدلال‌های علمی و پژوهش‌های دانشمندان رشته‌های مختلف علوم با طرح سؤالات بدیع و جسورانه خود همراه تخیل (تخیلی علمی)، بذر شک علمی را در دل‌ها می‌پاشد و بارها ساختن ذهن خواننده از خمودگی ناشی از پاسخ‌های کلیشه‌ای و کهن محققان و کاوشگران پیشین، نظریه‌های خود را ارائه می‌دهد. او معتقد است «غول‌ها و فرزندان خدایان وجود داشته‌اند و اولین نژادی بودند که به وسیله خدایان قبل از طوفان بزرگ خلق شدند و اشتیاق ما نسبت به ستارگان با میراث به جا مانده از خدایان زنده نگه

داشته شده و تحصیل هوش آدمی حاصل پیشرفت طولانی نبوده بلکه عملی ناگهانی با ایجاد موتاسیون یا جهش ژنتیکی بود که توسط خدایان در زمان‌های خیلی دور بر روی نسل‌هایی از انسان‌های اولیه (نظریه داروین که انسان از نسل نوعی میمون بوده است) صورت گرفته است و خدایان نیز مسافران فضایی هستند که از تمدن پیشرفته کرات دیگر به کره زمین مسافرت‌هایی انجام داده و بسیاری از خصلت‌ها و خصوصیات ذاتی را آنان به انسان اولیه آموخته‌اند!»

روان‌شناسان و روانکاوان نیز براساس مطالعات خود در فرهنگ عامه از جمله اسطوره‌شناسی، زمینه‌های مشترکی را در میان فرهنگ عامه و ملل متفاوت پیدا کرده‌اند و می‌گویند که اسطوره‌ها در مجموع یک زبان واقعی جهانی را در تمثیل‌ها و سمبل‌ها بیان می‌کنند و فعالیت‌های سمبولیک روان انسان در همه جا یکسان است.

نویسندگانی نظیر سر جیمز جورج فریزر نویسنده کتاب شاخه‌های طلایی، فرض می‌کند که داستان‌ها و آداب و رسوم که با یکدیگر مشابه هستند، بدون در نظر گرفتن اختلاف جغرافیایی آنان ممکن است مانند مسائل ذهنی جهانی بشری باهم مشابهت داشته باشند. گوته نیز در ادبیات جهان به یک روح مشترک معتقد بود و می‌گفت باید تاریخ ادبیات جهانی نگاشته شود تا در آن نقاط مشترک بین ادبیات مناطق مختلف کشف گردد. مثلاً در مورد عاشقی حدود بیست مضمون وجود دارد که دروازه هزار شاعر ایرانی در مورد آنها شعر گفته‌اند.

یکی دیگر از محققان فرهنگ عامه، یا کوب گریم آلمانی است که در باب ریشه‌های فرهنگ آلمانی مجموعه قابل توجهی از داستان‌های ملی اروپایی را جمع‌آوری و به خوبی اجزای غیرمنطقی این داستان‌ها را با یک فرضیه توجیه کرد که داستان‌ها در ابتدا تمثیلانی کیهانی و وابسته به نظام هستی بودند که به تدریج معانی مذهبی و آیینی خود را از دست داده و وارد حیطه تخیل شده و دگرگون گشته‌اند (مانند نوروز که داستان جمشید شاه در شاهنامه مهمترین منبع تحقیق در مورد نوروز است)

سر ادوارد بورنت تیلور و آندرو لانک نیز با توجه به عناصر خیالی داستان‌ها، معتقدند که داستان‌ها بدون تغییر در بین نسل‌ها توزیع و انتقال یافته و به تدریج معنی آنها از بین رفته و از زندگی عادی فاصله گرفته و برای نسل‌های بعدی، غیر منطقی به نظر برخی دیگر از فولکلوریست‌ها، فولکلور را به عنوان تمثیل‌هایی از پدیده‌های طبیعی مثل: خورشید، ماه، باران، زمین لرزه، توفان، خشکسالی و... می‌دانند.

بنا بر تئوری دیگری که از جانب فردریش ماکس مولر مطرح می‌شود، اسطوره‌ها، بیماری‌ها و آفت‌های زبان هستند. او فرض کرد وقتی یک فرد غیرعادی وجودش در حال فراموش شدن باشد، از طریق اسطوره باقی می‌ماند و اشاعه و ترویج می‌یابد. در واقع اسطوره‌ها بین مردم پخش می‌شوند، به ویژه وقتی نام قهرمان به نام بعضی از حیوانات شبیه باشد، آن حیوان جنبه ترس پیدا

می‌کند، مانند مار در کشور هند. مولر چنین می‌اندیشد که نوعی شباهت غیرقابل توضیح در میان اسطوره‌ها وجود دارد که یک موضوع ذهنی را به یک اسطوره یا موجود خارق‌العاده تبدیل می‌کند. آندرو لانگ، ضمن رد نظریه مولر ثابت می‌کند که اسطوره‌های یکسان با نشانه‌ها و علائم متفاوت در میان غیر آریایی زبان‌ها رواج دارند و این مردم نمی‌توانستند با وضعیت‌های مشابه در اسطوره‌ها دچار اشتباه شوند.

مطالعات توزیع جغرافیایی فولکلور مشخص کرده است که اسطوره‌های یونانی، اسطوره‌های عشقی و جنگی؛ اسطوره‌های ایرانی، اسطوره‌های جنگی؛ و اسطوره‌های هندی، اسطوره‌های صوفیانه هستند و به تدریج عوامل اسطوره‌های جنگی در اسطوره‌های صوفیانه هندی نفوذ پیدا می‌کند. ریاضت‌کشی وجه مشترک تمام این اسطوره‌هاست و در همه آن‌ها، قهرمانان، انسان‌های تکامل یافته و پر طاقتی هستند. ضمن آنکه گذرکردن و طی مراحل در تمام این اسطوره‌ها وجود دارد، مثلاً هفت خوان رستم در منطق‌الطیر به مراحل تصوف تبدیل می‌شود و در اسطوره‌های هندی

به صورت جهاد با نفس دیده می‌شود.

ادبیات شفاهی دارای ویژگی‌های خاص خود است و برای درک این ویژگی‌ها، یادگیری فولکلور که در بردارنده آفرینش گرانقدر ادبی مردمان محروم است، و شامل خصلت‌های سازندگی، تولیدی، زیستی و تربیتی و تعلیمی است. بسیار ضروری می‌نماید.

جالب است بدانیم نظریه‌های انسان‌شناسان قرن بیستم تغییر اسطوره‌ها را سریع‌تر از زبان می‌دانند (به جز استنهایی مثل شجره

نامه‌های پولینزی Polynesia که به دقت حفظ و نگهداری شده‌اند) و اسطوره‌ها و داستان‌های فولکلوریک را راهنمایی مطمئنی برای تحقیق در گذشته نمی‌شناسند. در اینجا بررسی اسطوره‌ها را پایان می‌دهیم و به بررسی طبقه‌بندی‌های انجام شده دیگر موضوعات فرهنگ عامه می‌پردازیم و لزوم ایجاد چنین تقسیم‌بندی را برای مطالعه دقیق و علمی فولکلور بیان می‌کنیم.

اصولاً دلالت فولکلور بر دو چیز است:

۱- موضوعات فولکلور بر دو چیز است:

۲- تحلیل و تحقیق علمی بدون و منظم بر روی این موضوعات

مثلاً جورج لارنس موضوعات گردآوری شده از فولکلورهای مناطق مختلف را بر اساس شکل موضوعات آنها طبقه‌بندی کرده و مختصات جغرافیایی را که موضوعات فولکلور در بین مردم آنجا رایج شده، از نظر دور داشته است. تقسیم‌بندی وی بدین شرح است:

۱- حکایات سنتی شامل داستان‌های فولکلوریک حماسی - پهلوانی، اشعار افسانه‌ای، آوازها و افسانه‌های محلی.

۲- سنت و شیوه‌های مختلف سنت‌های محلی، مراسم، اعیاد، جشن‌ها، عروسی‌ها، به خاک سپاری‌ها، بازی‌ها و بزرگداشت‌ها.

۳- خرافات و عقاید جادوگری، نجوم، احکام نجومی، تخیلات و افکار خرافی

۴- صحبت‌ها و مواظف فولکلوریک، مانند گفته‌های عوام، نشانه‌ها و اختصاراتی که عوام به کار می‌برند، ضرب‌المثل‌ها، سخنان موزون و مقفا، چیستان، لغز و معما

در فولکلور آثاری از اعتقادات و باورهای مردم گذشته را می‌توان پیدا کرد، مانند جادو که تا روپود جوامع ابتدایی را به هم یافته است و در برخی از آنها از افسانه‌ها و سرگذشت‌های قهرمانان مبارزی سخن گفته می‌شود که در راه رسیدن به اهداف خود فداکاری‌ها می‌کنند و مشقات زیادی را متحمل می‌شوند. اینها تمثیلاتی هستند که در قالب آن، مردم امیدها و آرزوها و آرمان‌های خویش را با خلق این گونه آثار فولکلوریک باقی گذاشته‌اند.

ادبیات شفاهی دارای ویژگی‌های خاص خود است و برای درک این ویژگی‌ها، یادگیری فولکلور که در بردارنده آفرینش گرانقدر ادبی مردمان محروم است، و شامل خصلت‌های سازندگی، تولیدی، زیستی و تربیتی و تعلیمی است، بسیار ضروری می‌نماید. از ویژگی‌های بارز ادبیات شفاهی، مردمی بودن، گوناگونی بیان و بازتاب بقایای اساطیر و آداب و سنت‌های گذشته در آن است.

چون جوامع گوناگون از حیث شرایط اجتماعی و اقتصادی همانندهایی دارند، می‌توان در فولکلور اقوام مختلف نیز مشابهت‌های فراوانی یافت. برای مثال:

نظریه اقتباس به دلیل مشاهده مشابهت‌ها در بین افسانه‌ها و داستان‌های کشورهای شرقی و اروپایی پدید آمد. «بنفی»، شرق‌شناس مشهور آلمانی در سال ۱۷۵۹ در مقدمه‌ای بر ترجمه مجموعه پنج جلدی پنچاتانتر (کلیله و دمنه) نظریات اساسی این مکتب جدید را این گونه شرح می‌دهد.

۱- علت شباهت بسیاری از سوژه‌های آثار مختلف جهان، اقتباس همه آنها از منابع هنری است.

۲- به عقیده بنفی این اقتباس در دوره‌های مختلف و باتوجه به علایق گوناگون و یا علت‌ها و شرایط خاص، مثلاً یورش اسکندر مقدونی و یا در جنگ‌های صلیبی صورت پذیرفته است.

علم فولکلورشناسی در جهان، در مورد شباهت سوژه‌ها به یکدیگر به نظریات گوناگونی راه یافته و با تمام تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته، علت اصلی و واقعی تکرار سوژه‌ها میان ملل جهان و یا شباهت آنها باهم، به درستی بیان نشده است. در اینجا به ذکر چند نمونه از دلایلی که فولکلورشناسی معاصر در این خصوص ارائه می‌دهد، اکتفا می‌کنیم.

سبب نزدیکی و شباهت سوژه‌ها، می‌تواند خویشاوندی تاریخی انسان‌ها باشد. این موضوع در ارتباط با طایفه‌های قدیمی و اولیه انسان‌ها و اجداد و پیشینیان آنهاست و زبان مشترک در این زمینه نقش مهمی را ایفا می‌کند.

امکان شباهت آنها، علایق و همبستگی‌های فرهنگی و تاریخی ملت‌ها باهم است. به این معنا که مردمان همسایه و همجوار از سوژه‌های گوناگون به صورت شفاهی و کتبی به صورت مشترک استفاده می‌کردند و زبان آنها به یکدیگر نزدیک بود و یا زبان دیگری را به عنوان زبان دوم خود قرار دادند.

سوژه‌های مشابه در شرایط اجتماعی یکسان یا شبیه و نزدیک به هم به صورت مستقل به وجود می‌آیند و این امر در میان ملت‌های گوناگون جهان با داشتن شرایط اجتماعی و اقتصادی یکسان، افکار و اندیشه‌های مشابه، قابل مطالعه است. به دنبال آن نیز فرم‌های فولکلوریک مشابه به وجود می‌آید. از نظر علم زیبایی‌شناسی (استیک) هنر عوام نشان‌دهنده مظهر زنده و رابطه دقیق دو مفهوم زیبایی و زندگی است. جریان زندگی با معیارهای حقیقی و مقتضیات واقعی، هنر عوام را محک می‌زند و مناسب‌ترین اشکال را در اختیار آن می‌گذارد.

تقریباً همه هنرمندان بزرگ و کوچک از عوامل مثبت ذوق عامه در رشته‌های مختلف فعالیت خود سود جست‌ه‌اند و در ایران به جز آثار شاعران و یا عالمان که در آنها جنبه‌هایی از فرهنگ عامه مورد استفاده قرار گرفته است، مانند آثار حکیم فردوسی، ابوریحان بیرونی، سعدی، فخرالدین اسعد گرگانی، حافظ، مولوی، عبید زاکانی، انوری، نظامی گنجوی و... منابع زیادی در مورد فرهنگ عامه به زبان فارسی وجود ندارد و باید در مورد هردو بخش معاصر و تاریخی فرهنگ عامه کشورمان تحقیقات گسترده و دقیقی در زمینه‌های مختلف آن به عمل آید.